

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در آذرماه امسال مراسمی برای بزرگداشت سرکار خانم دکتر بدرالزمان قریب، استاد دانشگاه تهران برگزار کرد که جمع انبوهی از علاقه‌مندان، صاحب‌نظران و نیز شاگردان استاد در آن شرکت کردند و چندتن از اساتید از جمله دکتر ژاله آموزگار و خانم زهره زرشناس درباره زندگی و آثار خانم قریب صحبت کردند که متن سخنان آنان ذیلاً نقل می‌شود.

در بزرگداشتِ خرد و دانش

دکتر ژاله آموزگار

به نام خداوند جان و خرد کسزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده و ره‌نمای
خداوند کیهان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مسهر

به نام خداوندی که دانش و فرزنگی را آفرید.

در بزرگداشت بانویی دانشمند و فرزانه سخن را باید از دانش و خرد آغاز کرد.

ما در این محفل، که به پایمردی صمیمانه دست‌اندرکاران انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برپا شده است، و من در مقام همکار دانشگاهی خانم دکتر بدری قریب از این بزرگواران سپاسگزارم، گرد آمده‌ایم تا خرد و دانش بدری قریب را بزرگ بداریم ما به فرهنگی تعلق داریم که در باورهای کهن آن، آفریننده بزرگ، خود دانش است و سرور دانایی است.

بنا بر اساطیر ایرانی، در ثنویتی که هستی را فرا گرفته است، در دنیای روشن و زیبا آفریدگار اورمزد از همه چیز آگاه است با دانش خود می‌داند که اهریمن و دنیای بدی وجود دارد و اهریمن که مظهر نادانی مطلق است در دنیای زشت و تاریک خود از جهان اهورایی ناآگاه، و اورمزد باخرد و دانش همه آگاه خود بر این گیتی هستی می‌بخشد. در کتاب مینوی خرد، یکی از ارزشمندترین آثار کهن ما، آمده است: «آفریدگار بسیار نیک، این آفریدگار را به خرد آفرید و آنان را به خرد نگاه می‌دارد، به سبب افزار خرد که سودبخش‌ترین است آنان را پایدار، بی‌دشمن و به جاودانگی از آن خود می‌کند».

در نبرد بزرگ میان نیکی و بدی، در رویارویی با اهریمن که خود از نیرویی سترگ برخوردار است، اورمزد تنها با دانش خود پیروز می‌شود. او با دانایی و خرد خود، برنامه‌ی را طرح می‌کند تا آرام آرام و اندک اندک توان هم‌اورد را بگیرد، پیوستگی اهریمن را با دیوانش بگسلاند و سرانجام او و همدستانش را در پایان جهان به نابودی مطلق کشاند.

این خدای بزرگ و سرور دانایی چون می‌خواهد بر نخستین جفت بشر جان ببخشد از روان همه آگاه خود در آنان می‌دمد، به آنان القا می‌کند که آن‌ها را از خرد سلیم خویش آفریده است و آنان را به پیروی از خرد و راستی فرمان می‌دهد.

آنان تا زمانی که در راه دانش و فرزاندگی اهورایی هستند نیک بختند. نخستین گناه آنان نادان شدن آنان است؛ زمانی که به فریبکاری اهریمن، به نادانی، آفرینش را به دیوان نسبت می‌دهند شوربختی آنان را فرامی‌گیرد و رستگار نمی‌شوند تا زمانی که دوباره سر در راه خرد گذارند و از نادانی مطلق رهایی یابند و توبه کنند.

در فرهنگ کهن ما دانش انسان همپای رستگاری اوست. نه همچون اساطیر یونان که چون پرومته "آتش" یا به زبانی دیگر "دانایی" را به میان مردم می‌برد مورد خشم ویرانگرانه زئوس، خدای خدایان یونان قرار می‌گیرد.

در کتاب مینوی خرد که مجموعه‌ی از پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که میان دانا و مینوی خرد، که نماد آن جهانی دانش و فرزاندگی است انجام می‌گیرد، جای جای باارزش والای دانستن رویه‌رو می‌شویم. در پرسش ۵۶ می‌آید که: چرا دانش و کاردانی در مینو و در گیتی به مینوی خرد وابسته است؟ و پاسخ این است که خرد غریزی از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است و اورمزد همه آفریدگان را به نیروی دانایی و کاردانی خرد می‌آفریند، نگاه می‌دارد و اداره می‌کند. سوشیانس و کیخسرو رستاخیز را با نیروی خرد انجام می‌دهند، روان پارسایان با خرد به بهشت و روشنی‌های بی‌پایان می‌رسد و از دوزخ به نیروی خرد می‌توان رهایی یافت.

استقرار زمین، آمیزش آب در زمین، رویش و نمو گیاهان و رنگ‌های گوناگون، بوی و مزه خوشی که در هر چیز هست به خرد مقدر و ساخته شده‌اند. برپایی البرز پیرامون جهان، پیرایش هفت کشور، حرکت خورشید و ماه و دوازده اختران، گذرگاه چینود، جداکننده نیکان و بدان همه با نیروی دانایی و خرد ساخته و مقدر شده است. با نیروی خرد می‌توان دانست که ابر آبگینه‌وار آب را از دریا می‌گیرد، در فضا می‌راند و به پیمان، سرشک بر زمین می‌بیزد. لطف اورمزد و امشاسپندان و بدکاری اهریمن و دیوان را نیز با خرد می‌توان شناخت. با درد و بیماری و دارو و درمان آن نیز با خرد می‌توان آشنا شد.

هرکه از خرد بهره بیشتر دارد، بهره‌اش از بهشت بیشتر است. بهشتیان را بهشتی بودن به دلیل بهره‌وری از خرد، و دوزخیان را دوزخی بودن به دلیل کم‌خردی است.

چون اورمزد نبرد نهایی را با اهریمن طرح می‌ریزد و او را بر سر پیمان می‌آورد، در انجمن ایزدان و امشاسپندان از خرد خویش سپاسگزاری می‌کند. و از زمان پیمان بستن اورمزد با اهریمن در این نه هزار سال باقی مانده از ۱۲ هزار سال آفرینش و تا زمان رستاخیز همه آفریدگان را خرد نگاه می‌دارد.

و ما با این اصل برجسته فرهنگ اسلامی آشناییم که هرگز آنان را که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند یکسان نمی‌شمارد: «هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون؟» (قرآن، زمر، ۸).

نمونه‌هایی را از بزرگداشت دانش و خرد برشمردم تا به یاد بیاوریم بزرگ بودن خرد و دانایی را در این سرزمین کهن و احترام بگذاریم به نیروی برخاسته از دانش و خرد.

ما به آگاهی‌های سودمند خانم دکتر بدری قریب احترام می‌گذاریم، بر خرد و دانش او که نیک است و فزاینده، زیرا که «خردی که با آن نیکی نباشد آن را خرد نباید شمرد».

بانوی دانشمندی که بزرگش می‌داریم بر نیروی دانش تکیه زده است و توانایش، توانگری دانش است. او با نیروی دانش نشان داد که جنس برتر و فروتر وجود ندارد، زن و مرد هر دو انسانند و انسان دانا و خردمند قابل احترام است.

من در مورد جزئیات زندگی ایشان و آثار ارزشمندشان سخنی نمی‌گویم چون که این مهم را دوست و همکار عزیز دیگری به جای خواهد آورد. اما می‌توانم بگویم که دکتر بدری قریب این علم را آسان به دست نیاورده است. او در سایه استعداد ذاتی، کوشش فراوان، پشتکار و زحمات شبانه‌روزی از این قله دانش بالا رفته است و رخدادهای خوب زمانه نیز یاورش کرده‌اند. بخت یارش بوده است که تحصیلات خود را در محیط‌های مناسبی در دبستان و دبیرستان طی کند و

سپس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران امکان این را داشته است که محضر استادان گرانقدر آن سال‌ها را درک کند و با چنین تحصیلات درخشانی در ایران توانسته است با فرهنگ و ادب و زبان غنی این سرزمین عمیقاً آشنا شود و شخصیت علمی خود را با داده‌های پربار ایرانی شکل بخشد و با چنین موقعیتی چون راهی غرب می‌شود تا خوشه‌چین دنیای دانش ماورای مرزهای ما گردد می‌داند که چه می‌خواهد و به همین دلیل خوب فرا می‌گیرد و از بهترین شرایط علمی دنیای غرب سود می‌برد. او به نسلی تعلق دارد که چون قدم به فراگیری دانش آن سوی مرزها گذاشت هرگز به اندیشه‌اش خطور نکرد که ایران را واگذارد و باز نگردد. ما دانش آموختگان آن دوران در کشورهای خارج، همگی با خلوص نیت بازگشتیم و دین خود را به این سرزمین ادا کردیم و هرگز پشیمان نیستیم. بدری قریب نیز بازگشت و دانسته‌هایش را در این سرزمین به کار گرفت و هرگز از این بازگشت احساس پشیمانی نکرد. خوشبختانه مردم خوب این سرزمین نیز قدر او را دانستند و می‌دانند و خواهند دانست.

او راه به سوی دانش جدید و نوپای زبان‌های باستانی را هموارتر کرد. وقتی که در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ پس از گرفتن دکترای خود و گذراندن پایان‌نامه درباره زبان سغدی، در دانشگاه شیراز خدمت فرهنگی و دانشگاهی را آغاز کرد از زبان سغدی مفهومی گنگ و مبهم در ذهن دست‌اندرکاران آن دانشگاه بود، و اکنون پس از گذشت سی و چند سال، این دانش چنان پا گرفته است که اکنون متخصصان معتبر و متعددی در زبان و فرهنگ سغدی داریم که دانش آموختگان دانشگاه‌های همین مرز و بومند.

زمانی که اثر ارزنده و ماندنی دکتر بدری قریب یعنی کتاب فرهنگ سغدی منتشر گشت و سپس به عنوان بهترین کتاب سال برگزیده شد پژوهشگران و علاقه‌مندان به رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی به خود بالیدند چون که این زویداد درخشش فرهنگ ریشه‌دار این سرزمین بود و بار دیگر تحقق حقانیت دانش راستین که راه خود را باز می‌یابد و سرانجام سر برمی‌افرازد. چون که فراموش نکرده‌ایم که زمانی نه‌چندان دور حتی برخی از بزرگان فرهنگ، آثار دوران باستانی ایران را تنها مجموعه‌یی از چندصد واژه می‌دانستند، و این اثر ارزنده دکتر بدری قریب شاهدهی روشن در زمینه معرفی بخشی از فرهنگ ناشناخته کهن ماست و می‌تواند پاسخی بر این نادرست اندیشیدن‌ها باشد.

در مقدمه مبسوط و سودمند همین اثر است که سخن از گسترش فرهنگ ارزنده شرق ایران بزرگ آن روزگاران به میان می‌آید. سغد نامی آشنا در متن‌های اوستایی، سنگنوشته‌های هخامنشی و نوشته‌های دوران میانه با ادبیاتی غنی در متن‌های بودایی و مانوی و مسیحی، با

فرهنگی غنی و گسترده که از حدود هزارهٔ دوم پیش از میلاد دشت‌های میان سیحون و جیحون را در اختیار خود گرفته بوده است و این همه فرهنگ ما و بخشی از فرهنگ ایرانی است. پس دریابیم فرهنگ غنی، گسترده، پربار و هنوز کم شناخته شدهٔ ایران را. و دست دکتر بدری قریب را صمیمانه بفشاریم که برشناخته شدن بخشی از این فرهنگ چنین همت بلند را به کار گرفته است. تلاش ارزشمند و همراه با پشتکار و پیگیرانهٔ این همکار دانشمند، دکتر بدری قریب را ارج می‌نهمیم که خرد و دانش را جلوه‌ی زیبا بخشیده است. بانوی باحساس و شاعری که به علم روی آورده است و توانسته است ارزش و لیاقت و فرزاندگی خود را به خوبی نشان دهد. و با پژوهش‌های عالمانه و سترگ خود بر فرهنگ و زبان‌های باستانی و الایی بیشتر بخشد و حقانیت آن را بهتر نمودار سازد.

او را بزرگ می‌داریم و چون سپاسداری نیز از نخستین اندرزه‌های مینوی خرد است از او سپاسگزاریم که عمر مفید و نیرو و همت خود را در این راه صرف کرد. آرزو کنیم که همواره تندرست باشد، دیر زید، پربار زید، و ما همچنان بیاموزیم و بدانیم که بزرگان را نکو بداریم. متشکرم.



زنی هست آرایش روزگار

دکتر زهره زرشناس

ژئوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به نام خدا یا به زبانِ سغدی خودمان

awēn βay ānβnay nām

آیا جای آن نیست که بار دیگر انتشار کتاب فرهنگ سغدی، پژوهشی این چنین ارزنده را به جامعهٔ دانش‌پژوهان فارسی زبان تبریک بگوییم؟ در این فرهنگ، سرواژه‌های سغدی با معادل فارسی و انگلیسی آمده است. این واژه‌نامه در جهان زبان‌شناسی تاریخی کاری منحصر به فرد است. کتاب، گنجینهٔ عظیمی از واژه‌ها و ترکیبات زبان سغدی را در اختیار پژوهشگران این زبان و دیگر زبان‌های کهن ایرانی و رشته‌های وابسته می‌گذارد و می‌توان آن را به مثابه ابزار اصلی